



Reasons and Consequences of the Transformation of a Village into a City from the Villager's Perspective with Emphasis on the Social and Identical Structure (Case Study: Qaleh Now City)*

Zohreh Tajzadeh¹ | Hossein Imani Jajarmi² | Hossein Mirzaei³ | Saeed Zangeneh Shahraki⁴

1. Doctoral student of Sociology of Social-Rural Development, University of Tehran.

E-mail: zohreh.tajzadeh@ut.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Development and Social Policies, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.

E-mail: imanijajarmi@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Development and Social Policies, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.

E-mail: hmirzaei@ut.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran.

E-mail: Saeed.zanganeh@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 05 March 2022;

Received in revised form: 21

July 2022;

Accepted: 16 August 2022;

Published online: 12

February 2023

Keywords:

Rural Development, Active Participation, Transformation of Village into City, Social Identity, Sense of Belonging and Ownership of Place, Qaleh Now City.

ABSTRACT

Introduction: The transformation of villages into cities has many visible and hidden consequences, such as the change of the physical structure, the increase of the cost of living and the deterioration of the cohesion of the local community. The aim of this article is to study the sociology of the main reasons for the transformation of the village into a city and its effects and consequences with special attention to the social and identity dimensions of the villagers. For this reason, Qala-e-Naw city was selected as the field of study from the functions of Rey city in Tehran province, which has been transformed from a village to a city for several years.

Method: The research method was qualitative and based on grounded theory. Using random sampling among Qala-e-Naw and Snowball residents (experts and professionals), in-depth interviews were conducted until theoretical saturation was reached, which finally included 20 interviews.

Findings :The data analysis identified three main categories of goals from the transformation from rural to urban, changes after urbanization, and the negative consequences on social structure and identity, which according to the interviews are in the first category: Physical development and creation of space for development, an urban title instead of a village, an urban budget, and the improvement of urban services in the second category; The lack of tangible changes, the opening of agencies and offices, the increase in the cost of living, the increase in urban fees, the change in the local context, the increase in construction activity and the increase in land prices, the improvement of urban services and economic growth and prosperity and in the third category: The lack of direct awareness and information, the impact on spatial identification and sense of belonging, the lack of active participation, the lack of a sense of ownership, and the lack of self-governance and self-management were extracted.

Conclusion:The results show that the most important reasons for converting a village into a city in the eyes of rural residents are to have more and more urban services and benefits. However, the transformation of a village into a city also has unintended consequences, such as changes in the local environment with direct impacts on rural economic activities, such as livestock and agriculture, the influx of foreigners, and higher living costs, especially for housing. The transformation of the village into a city also has negative consequences in social and identity terms, such as the reduction of the sense of belonging to the space.

Cite this article: Imani Jajarmi, H., Tajzadeh, Z., Mirzaei, H., & Zangeneh, S. (2022). Reasons and consequences of transforming a village to the city from the villager's perspective with focus on social and identical structure (Case Study Qaleh Now city). *Community Development (Rural and Urban)*, 14(2), 353-370.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JRD.2022.340067.668707>

* Excerpted from the doctoral thesis with the title "The right to rural settlements; Investigating the right of villages to maintain and preserve their identity in the face of becoming a city (Case study: Qala-e-Naw city)."

دلایل و پیامدهای تبدیل روستا به شهر از نگاه روستاییان با تأکید بر ساختار اجتماعی و هویتی (مورد مطالعه: قلعه نو)*

زهرة تاجزاده^۱ | حسین ایمانی جاجرمی^۲ | حسین میرزایی^۳ | سعید زنگنه شهرکی^۴

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جامعه شناسی توسعه اجتماعی - روستایی دانشگاه تهران. رایانامه: zohreh.tajzadeh@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه توسعه و سیاست گذاری های اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. رایانامه: imanijajarmi@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه توسعه و سیاست گذاری های اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. رایانامه: hmirzaie@ut.ac.ir

۴. دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران. رایانامه: saeed.zanganeh@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۴/۳۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳</p> <p>کلیدواژه‌ها: تبدیل روستا به شهر، توسعه روستایی، حس تعلق و تملک به مکان، شهر قلعه نو، مشارکت فعال، هویت اجتماعی.</p>	<p>مقدمه: تبدیل روستاها به شهر پیامدهای پیدا و پنهان بسیاری مانند دگرگونی بافت کالبدی، افزایش هزینه‌های زندگی و زوال انسجام اجتماع محلی را به همراه داشته است. هدف این مقاله مطالعه جامعه‌شناختی مهم‌ترین دلایل تبدیل روستا به شهر و آثار و پیامدهای آن با تأکید ویژه بر ابعاد اجتماعی و هویتی ساکنان روستا است. به همین دلیل شهر قلعه نو از توابع شهرستان ری در استان تهران که چند سالی است از روستا به شهر تبدیل شده است به‌عنوان میدان مطالعه انتخاب شد.</p> <p>روش: روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای است و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، از میان ساکنان قلعه نو و گلوله‌برفی (صاحب‌نظران و متخصصان) مصاحبه‌های عمیقی تا رسیدن به اشباع نظری صورت پذیرفت که در نهایت ۲۰ مصاحبه را شامل شد.</p> <p>یافته‌ها: پژوهش در تحلیل داده‌ها به سه دسته مهم‌ترین اهداف از تبدیل روستا به شهر، تغییرات پس از شهرشدن و پیامدهای منفی ساختار اجتماعی و هویتی دست یافت که بنا به مصاحبه‌های صورت‌گرفته، در دسته نخست توسعه کالبدی و ایجاد فضا برای توسعه، داشتن عنوان شهری به‌جای روستا، برخورداری از بودجه شهری و بهبود خدمات شهری، در دسته دوم عدم ایجاد تغییرات محسوس، بازشدن نمایندگی‌ها و دفاتر، افزایش هزینه‌های زندگی، افزایش عوارض شهری، تغییر در بافت بومی، افزایش ساخت‌وساز و افزایش قیمت زمین، بهبود خدمات شهری و رشد و رونق اقتصادی، و در دسته سوم نبود آگاهی و اطلاع‌رسانی مستقیم، تأثیر بر هویت‌یابی فضایی و حس تعلق، نداشتن مشارکت فعال، نداشتن حس تملک و تصاحب و عدم خودداده‌گری و خودمدیریتی استخراج شد.</p> <p>نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین دلایل تبدیل روستا به شهر در نگاه ساکنان روستایی، برخورداری هرچه بیشتر از خدمات و بهره‌مندی‌های شهری است. با وجود این، در تبدیل روستا به شهر، پیامدهای ناخواسته مانند تغییر در بافت بومی با اثرگذاری مستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی روستایی مانند دامداری و کشاورزی، ورود افراد غریبه و افزایش هزینه‌های زندگی به‌ویژه مسکن روی می‌دهند. تبدیل روستا به شهر در ابعاد اجتماعی و هویتی نیز پیامدهایی منفی نظیر کاهش حس تعلق به فضا به همراه دارد.</p>

استناد: تاجزاده، زهرا، ایمانی جاجرمی، حسین، میرزایی، حسین، زنگنه شهرکی، سعید (۱۴۰۰). دلایل و پیامدهای تبدیل روستا به شهر از نگاه روستاییان ...، توسعه

محلی (روستایی - شهری)، ۱۴(۲)، ۳۵۳-۳۷۰. DOI: <http://doi.org/10.22059/JRD.2022.340067.668707>

* مستخرج از رساله دکتری با عنوان «حق به سکونتگاه‌های روستایی؛ بررسی حق روستاها برای ابقا و حفظ هویت در مقابله با تبدیل به شهر (مورد مطالعه: شهر قلعه نو)».

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۱. مقدمه و طرح مسئله

آمارهای اولین سرشماری در ایران نشان از برتری کمی جمعیت روستایی به جمعیت شهری داشت. از هر ۱۰۰ نفر جمعیت ساکن کشور در آن هنگام، نزدیک به ۶۸ نفر در روستاها و فقط ۳۲ نفر در مناطق شهری زندگی می‌کردند. اکنون اما از هر ۱۰۰ نفر جمعیت کشور بیش از ۷۴ نفر در مناطق شهری زندگی می‌کنند. میزان شهرنشینی که در سال ۱۳۳۵ تنها ۳۱/۴ درصد از جمعیت را شامل می‌شد، به رقم ۷۱/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۷۴/۸ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید. در ایران نیز طی سال‌های اخیر، رشد فزاینده تعداد شهرها از طریق تبدیل مراکز روستایی به شهرهای کوچک، از جمله تأثیرات فرایند شهرگرایی شتابان بر ساختار فضایی و جمعیتی کشور بوده است؛ به طوری که تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۱۶ شهر در سال ۱۳۸۵، ۱۱۳۹ شهر در سال ۱۳۹۰ و ۱۲۴۳ شهر در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). از این تعداد، جز ۲۶ شهر جدید که برای جذب سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ احداث شده‌اند، بقیه روستاهایی بوده‌اند که به شهر تبدیل شده‌اند.

از پیامدهای مهم و تأثیرگذار گسترش شتابان شهرها از میان رفتن تدریجی روستاها و هویت‌های محلی است. این افزایش شگفت شهرها و جمعیت شهری، حیات روستایی را تحت تأثیر قرار داده است و سبب بروز مسائل اجتماعی، فرهنگی و هویتی و پیامدها و مشکلات پیچیده اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شده است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۶). در این میان، رشد شتابان جمعیتی و کالبدی شهر تهران در دهه‌های اخیر به شدت بر مناطق همجوار این کلان‌شهر اثرگذار بوده است. بسیاری از مناطق و محله‌های تهران امروز، زمانی روستایی مستقل، مجزا و آباد بوده‌اند؛ برای مثال در شمال تهران مناطقی مانند سوهانک، نیاوران، چیترا، قیطریه، دروس، قلعهک، زرگنده، اوین و درکه، در شرق و شمال شرق مناطقی نظیر تلو، خاک سفید، سرخ حصار، و نارمک، در شمال غرب و غرب مناطقی مانند طرشت، سعادت‌آباد، حصارک کن، پونک، باغ فیض، و در جنوب مناطقی مانند یافت‌آباد، قلعه مرغی، تقی‌آباد، و دولت‌آباد، همگی زمانی روستا بوده‌اند.

در نیم قرن اخیر، توسعه سرمایه‌داری در چارچوب اقتصاد متکی به نفت سبب رکود بخش کشاورزی و روستایی و در مقابل، رشد شهری شده است. حاصل این پویا، از میان رفتن نقش شهرهای کوچک، توسعه شهرمبنا و پیدایش نوعی شبکه شهری است که به شکل‌گیری الگوی توسعه فضایی مرکز-پیرامون منجر شده است (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۳). به مرور زمان صاحب‌نظران و برخی از تصمیم‌گیران به راهبرد عدم تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در سکونتگاه‌های بزرگ انسانی و تلاش برای تأمین حداقل شرایط برای توسعه اجتماعی-اقتصادی مردم روستا توجه کردند. این راهبرد در ایران به شکل تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک، ایجاد شهرهای جدید و ادغام برخی روستاهای همجوار شهرها در جهت خارج کردن روستاها از انزوای جغرافیایی و تحقق تعادل‌های ناحیه‌ای، نمود پیدا کرد (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹). پیامد چنین راهبردی تمرکز غالب سیاست‌ها بر رشد شهرها و تحلیل هویت روستایی است؛ درحالی که بدون یک نظام سکونتگاهی متناسب و یک سلسله‌مراتب عملکردی سکونتگاهی، اهداف توسعه پایدار و متوازن محقق نخواهد شد. در نتیجه توسعه و بهبود سکونتگاه‌های سطوح میانی و پایینی نظام سلسله‌مراتبی مانند روستاها و سکونتگاه‌های سنتی و کوچک مانند شهرک‌ها در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش برقی و همکاران (۱۳۹۰) درباره نتایج تبدیل روستای اژی (اصفهان) به شهر نشان می‌دهد تنها ۲۸/۵ درصد از پاسخگویان از چنین تغییری رضایت داشتند. پاسخگویان افزایش هزینه‌های ساخت‌وساز، عوارض و محدودیت‌های نگهداری دام را از مهم‌ترین

دلایل نارضایتی‌شان اعلام کردند. کریمی و همکاران (۱۳۹۱) هم که تأثیرات سیاست تبدیل روستای دیلمان (واقع در شهرستان سیاهکل استان گیلان) به شهر را در توسعه مناطق کوهستانی بررسی کردند، به این نتیجه رسیدند که این تبدیل در رونق اقتصادی، بهبود شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی و ارتقای وضعیت کالبدی-محیطی تأثیر چندانی نداشته است. تحقیق سرایی و اسکندری ثانی (۱۳۸۶) هم نشان داد سیاست تبدیل روستای ریوش به شهر در شهرستان کاشمر، در تثبیت و نگهداری جمعیت، بسط کارکردها به نواحی پیرامونی و حوزه نفوذ و ارائه اشتغال، امکانات و تسهیلات ناموفق است. فیروزنیا و همکاران (۱۳۹۰) در تشریح نکات منفی این مسئله، به در نظر نگرفتن شرایط و معیارهای اصولی مانند عدم حضور و مشارکت ساکنان سکونتگاه‌های روستایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تبدیل روستاها به شهر اشاره می‌کنند. عزیزی و همکاران (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که در استان گیلان، جریان تبدیل روستا به شهر از طریق پنج مؤلفه اصلی رخ داده که همگی به‌نوعی دارای ماهیت سیاسی هستند.

با این حال برخی این سیاست را موفق ارزیابی می‌کنند؛ برای مثال ایزدی خرامه (۱۳۸۰) به این نتیجه رسید که این شهرها یا همان روستاهای تبدیل‌شده به شهر، تا حدودی تعدادی فرصت شغلی در زمینه‌های اداری، تجاری و خدماتی را پدید آورده، برخی امکانات را افزایش داده و موجب کندی مهاجرت به شهرهای بزرگ شده‌اند. نوری و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی عوامل اقتصادی و کالبدی ایجاد تعارضات حاصل از الحاق روستا به شهر در اسلامشهر، این شهرها را بستر هماهنگ‌کننده توسعه شهری و روستایی و حلقه اتصال فضاهای روستایی با شبکه شهری قلمداد کردند و توضیح دادند که آن‌ها تقریباً خلأ مراکز خدمات شهری را در حوزه‌های روستایی پر می‌کنند و در تقویت خدمات تجاری، اداری، آموزشی و بهداشتی روستاهای حوزه نفوذ شهرهای جدید مؤثر بوده‌اند.

برخی از تحقیقات هم نکات مثبت و منفی این سیاست را توأمان بررسی کردند؛ برای مثال، رحمانی فضلی و پریشان (۱۳۸۸) در مطالعه شهر جدید التاسیس کانی سور، به این نتیجه رسیدند که تحولات ساختاری-کارکردی پس از شهرشدن، اگرچه همراه با تغییرات منفی مانند کاهش نقش فعالیت‌های زراعت و دامداری، افزایش هزینه‌های زندگی (آب، برق و مانند آن‌ها) و افزایش قیمت زمین و رواج بورس بازی زمین است، تغییرات مثبتی مانند افزایش کمی و کیفی خدمات، کاهش مهاجرفرستی و افزایش مهاجرپذیری و بهبود نظم هندسی آرایش فضایی خانه‌ها را همراه داشته است. رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه تطبیقی دو شهر تازه‌تأسیس فیروزآباد در استان لرستان و صاحب در استان کردستان که در ۲۰ سال گذشته از روستا به شهر تبدیل شده‌اند، به این نتیجه رسیدند که تأثیرات متفاوت و گاه معکوسی از اجرای یک سیاست در دو روستای مورد مطالعه دیده می‌شود. همچنین زنگنه شهرکی (۱۳۹۲) با نگاهی در مقیاس ملی به مسئله پیدایش پدیده «خام‌شهرها» بر این نظر است که سیاست تبدیل روستاهای کوچک به شهر در همه دوره‌های نظام شهری در ایران وجود داشته است. این سیاست رابطه کاملاً مستقیمی و بامعنایی با متغیرهایی مانند فاصله از پایتخت، فاصله از شهرهای مرکز استان و سال شکل‌گیری استان دارد. بدین معنی که هرچه از تهران و مراکز شهرهای مرکز استان بیشتر فاصله بگیریم، بر تعداد روستاهای کوچک تبدیل‌شده به شهر افزوده می‌شود. این راهبرد با نگاهی تک‌بعدی در تلاش برای تمرکززدایی، از یاد می‌برد که تبدیل نقاط روستایی به شهرها بدون نیاز و ظرفیت‌سنجی از سویی و در نظر گرفتن خواست و اراده ساکنان بومی از سوی دیگر، نه‌تنها موفقیت چندانی در پی نخواهد داشت که محکوم به شکست خواهد بود. هرچند در ظاهر، روند توسعه شهری روبه‌رشد به نظر خواهد آمد، ابعاد اجتماعی، فرهنگی، هویتی و کالبدی روند تضعیف را در پیش خواهند گرفت و در نهایت با توده‌هایی انسانی روبه‌رو خواهیم بود که کمترین تعلق مکانی و مشارکتی را با فضای زیست خویش دارند.

۳. تأملات نظری

هانری له فور متفکر فرانسوی، از جمله نخستین نظریه‌پردازانی است که فضا را از زاویه دید متفاوتی مطالعه کرده و بر این باور است که هر نوع تغییر اجتماعی با تغییر در فضا رخ می‌دهد. بدین معنا که انسان‌ها خویشان را در قالب فضای کالبدی و فیزیکی‌شان بازآفرینی اجتماعی می‌کنند و البته فضای زندگی (شهر یا روستا) بر زندگی هر فرد، قواعد خاص خود را حاکم خواهد کرد. به‌طور خلاصه هویت اجتماعی در ارتباط مستقیم با فضای کالبدی شکل می‌گیرد و داشتن حق فضای زیست، از حقوق اولیه است، ولی سلب این حق از ساکنان، زمینه را برای بیگانگی فضایی افراد با محیط زندگی‌شان و بروز مشکلات هویتی فراهم خواهد کرد (له فور^۱، ۱۳۹۶: ۵۸). بر مبنای این رویکرد، هر فرد بنا به زندگی در فضای مصنوع-چه شهر و چه روستا- و تعلق به آن فضا می‌تواند واجد حقوقی از جمله حق مشارکت در تصمیم‌گیری برای محیط زندگی خویش باشد. زمانی که افراد در مشارکت واقعی و فعال به کار گرفته شوند، قدرت جمعی آن‌ها آشکار می‌شود و خودشان را ناظر لایق فضاها و زندگی جمعی می‌بینند. حق استفاده از فضا و مشارکت در تولید آن در بعد عمومی سبب شکل‌گیری احساس تعلق به فضا، معنا و هویت فضایی می‌شود (تقوایی و همکران، ۱۳۹۴: ۹۱). به دنبال تبدیل روستا به شهر شاهد افزایش ساخت‌وسازهای جدید و پروژه‌های عمرانی هستیم، فعالیت‌هایی که تغییرات گسترده‌ای در بافت قبلاً روستایی به‌وجود می‌آورد و با مخدوش کردن هویت فضایی-مکانی، سکونتگاه‌هایی بی‌هویت، ناهماهنگ و نابسامان پدید می‌آورد (قره‌بگلو، ۱۳۹۸: ۳۵). این در حالی است که افراد برخوردار از آگاهی، قدرت تصمیم‌گیری و حق مشارکت در محیط زندگی، تعلق خاطر بیشتری به فضا خواهند داشت و در نتیجه رضایت و اعتماد بیشتری را تجربه می‌کنند (رهبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

۴. روش‌شناسی

شهر قلعه نو از توابع شهرستان ری در استان تهران است و طبق آخرین سرشماری (۱۳۹۵) جمعیت آن ۵۳۵۲ نفر است. قلعه نو دارای ۱۵۸۳ خانوار و ۵۳۵۲ نفر (۲۷۱۹ مرد و ۲۶۳۳ زن) است. در جریان تحقیق، با ۲۰ نفر مصاحبه صورت گرفت. دسته اول مصاحبه‌شوندگان، مطلعان (۵ نفر) شامل استادان دانشگاه و کارشناسان بودند و در دسته دوم ساکنان و مطلعان محلی (۱۵ نفر) قرار داشتند که به‌صورت تصادفی و با حضور محقق در میدان و از میان طیف‌های مختلف شغلی، سنی و جنسی (زنان و مردان) انتخاب شدند. به‌منظور تحلیل داده‌ها براساس نظریه زمینه‌ای، دو نوع کدگذاری شامل کدگذاری باز و کدگذاری محوری انجام شد (استراوس و کوربین^۲، ۱۹۹۸: ۵۵). برای کدگذاری و تحلیل داده‌های کیفی از نرم‌افزار مکس کیودا^۳ استفاده شد. در جدیدترین نسخه این نرم‌افزار، ابزارهایی تعبیه شده تا بتوان پس از کدگذاری داده‌های تحقیق، مدل‌های متناسب با پژوهش را طراحی و ارائه کرد. در کدگذاری باز بر مبنای سؤالات اصلی تحقیق، از میان مفاهیم و جملات مصاحبه واحدهای معنی (۱۷ دسته نشانه) استخراج شد. در مرحله بعد و طی کدگذاری محوری، کدهای اولیه حاصل از کدگذاری باز طبقه‌بندی و مقوله‌بندی شدند. به این ترتیب آن دسته از نشانه‌هایی که رابطه نزدیکی با یکدیگر داشتند، در یک مقوله اصلی قرار گرفتند (جدول ۱).

1. Henri Lefebvre
2. Strauss and Corbin
3. Maxquda 2020 version

جدول ۱. مقوله‌های استخراج شده

مقوله‌های هسته‌ای	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی
پیامدهای منفی اجتماعی و هویتی	عدم آگاهی و اطلاع‌رسانی مستقیم	
	تأثیر بر هویت‌یابی فضایی و حس تعلق با تغییرات انجام شده	
	نبود مشارکت فعال	
	نبود حس تملک و تصاحب	
	نبود خود اداره‌گری و خودمدیریتی	
مهم‌ترین هدف از تبدیل روستا به شهر	توسعه کالبدی و ایجاد فضا برای توسعه	
	داشتن عنوان شهری به‌جای روستایی	
	برخورداری از بودجه شهری	
	بهبود خدمات شهری	
تغییرات ایجادشده پس از شهرشدن	ایجادنشدن تغییرات محسوس	
	بازشدن نمایندگی ادارات، بانک‌ها و دفاتر خدمات شهری	
	افزایش هزینه‌های زندگی	
	افزایش عوارض شهرداری	
	تغییر در بافت بومی	اثرگذاری بر فعالیت کشاورزی و دامداری ورود افراد جدید
	افزایش ساخت‌وساز و افزایش قیمت زمین	
	بهبود خدمات شهری	
	رشد و رونق اقتصادی	

۵. یافته‌ها

از میان مهم‌ترین اهداف مورد توجه، بهبود خدمات شهری با بیشترین ارجاع از سوی پاسخگویان (بیش از نیمی از پاسخ‌ها) مهم‌ترین بوده و سپس تلاش برای توسعه کالبدی و ایجاد فضا برای توسعه روستاها رتبه بعد را به خود اختصاص داده است. این امر به‌وضوح نشان از آن دارد که تفکر تبدیل روستا به شهر برای برخورداری از خدمات بهتر و بیشتر شهری مهم‌ترین دلیلی است که مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند. باید یادآور شد که نظرات متخصصان و دست‌اندرکاران نیز بیانات روستاییان ساکن را تأیید می‌کرد؛ چرا که آن‌ها نیز بر این باور بودند که روستاییان به‌عنوان انسان اقتصادی برای برخورداری از امکانات شهری و بودجه بیشتر اقداماتی انجام می‌دهند.

یکی از مدیران ارشد اداره شهرداری و دهیاری‌ها بیان می‌کند: «ما اصلی داریم در اقتصاد. انسان عاقل اقتصادی یعنی هر کس عقلانیتی برای تصمیم دارد؛ کسی که دنبال آن است که روستایش به شهر تبدیل شود.»

از سویی توجه به این نکته ضروری است که برخلاف باور عمومی که ممکن است خواست تبدیل روستا به شهر را به‌دلیل ارزش‌گذاری‌های سنتی در دوگانه‌انگاری شهری-دهاتی بدانند (تلاش روستاییان برای برخورداری از عنوان شهری)، مقوله داشتن عنوان شهری به‌جای روستایی، مورد توجه پاسخ‌دهندگان نبوده است. به همین خاطر زمانی که پرسشگر از یک کشاورز سؤال کرد که مهم نیست که عنوان شهری داشته باشید، او پاسخ داد: «نه اصلاً. ما (روستاییان) فقط می‌خواهیم امکانات بیشتری برای خود و خانواده داشته باشیم. اینجا هیچ امکاناتی برای بچه‌های ما وجود ندارد. در نتیجه مجبور می‌شیم بعد از چند سال به‌خاطر بچه‌ها هم که شده به شهر نقل مکان کنیم.»

جدول ۲. مهم‌ترین هدف از تبدیل روستا به شهر

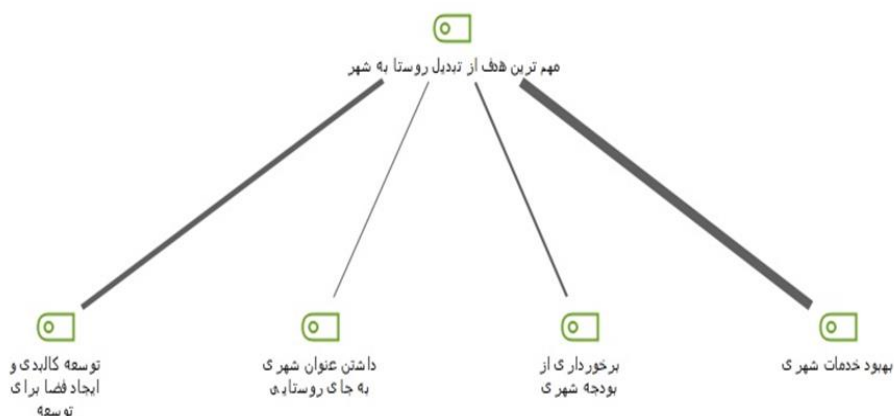
میزان ارجاع	کد
۲۲	بهبود خدمات شهری
۱۳	توسعه کالبدی و ایجاد فضا برای توسعه
۵	برخورداری از بودجه شهری
۰	داشتن عنوان شهری به‌جای روستایی

مصاحبه با اعضای شورای شهر قلعه نو نشان داد به‌دلیل محرومیت‌های موجود در روستا و تقاضای مداوم مردمی برای احداث امکانات خدماتی مانند استخر، باشگاه و... و همچنین محدودیت‌های طرح هادی روستایی برای تعریف محدوده روستا و نبود فضای کالبدی کافی برای توسعه روستا، دهیاری به این نتیجه رسید که برای ارائه خدمات بهتر و بهره‌مندی از اجازه توسعه کالبدی روستا برای استفاده از زمین‌های اطراف در جهت افتتاح پاسگاه، استخر و زمین بازی، باید روستای قلعه نو به شهر تبدیل شود. دهیار اسبق و رئیس شورای شهر قلعه نو توضیح داد: «زمانی که دهیاری را به شهرداری تحویل دادیم، ۱۳ میلیارد سرمایه داشتیم، ولی زمین نداشتیم که بسازیم؛ چون طرح هادی اجازه نمی‌داد؛ برای مثال زمانی که روستا بودیم، همه کارهای یک زمین ورزشی را کردیم، ولی چون در بافت طرح هادی روستایی نبود، الان پنج سال است که نیمه افتاده و اجازه تکمیل کار را هم نداده‌اند. ما فکر کردیم با شهرشدن این مشکل حل شود، ولی نشد.»

یکی از اعضای شورای شهر قلعه نو نیز به موارد این‌چنینی اشاره کرد: «در زمان روستا بودن درخواست زمین بازی، استخر و... را داشتند. با طرح توسعه شهری تصمیم گرفته شد ملک اراضی کشاورزی وارد فاز توسعه شهری شود، ولی بعد از شهرشدن مشکلات سیاسی و اداری سبب شد پنجاه درصد عقب‌تر از دهیاری بمانیم. پروژه‌های انجام‌شده در زمان دهیاری‌ها صورت گرفته که از زمان شهرشدن، انجام پروژه‌ها صفر شده است.»

از سوی دیگر در ماده ۲ آیین‌نامه سرانه واریز اعتبارات وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور) مصوب ۱۴۰۰/۱۰/۲۶ هیئت‌سهم بودجه شهرها (به‌دلیل محاسبه بودجه بر مبنای شاخص جمعیت، سرانه پسماند تولیدی و سرانه فضای سبز و...) چندین برابر بودجه روستایی است. در نتیجه در بسیاری از موارد، دهیاری‌ها یا افراد ذی‌نفع در روستاها به امید برخورداری از بودجه بیشتر، طرح تبدیل روستا به شهر را ارائه می‌دهند.

به‌نظر می‌رسد برخلاف ظاهر سیاست حفظ روستاها در کشور، قوانین و مقررات، روند تبدیل روستا به شهر را دامن می‌زند و این روند را تشویق می‌کند. این در حالی است که چنانچه دهیاری‌ها نیز مانند شهرداری‌ها دارای قدرت بیشتری در ارائه خدمات باشند و قوانین و مقررات موجود، اجازه برخورداری روستاها از امکانات رفاهی بیشتری را تعریف کنند، بسیاری از نیازها برای تبدیل روستا به شهر پاسخ داده خواهد شد. به بیانی دیگر، با قدرت‌بخشیدن به دهیاری‌ها به‌عنوان بازوی اجرایی در روستاها و تأمین بودجه کافی برای ارائه خدمات به ساکنان روستایی، تلاش برای تغییر ماهیت و هویت روستایی توجیه‌چندانی نخواهد داشت.



نمودار ۱. مهم ترین هدف از تبدیل روستا به شهر

توضیح: ضخامت خطوط رسم شده نشان دهنده میزان وزن و ارجاع بیشتر پاسخگویان است.

طبیعی است که پس از تبدیل روستا به شهر، تغییرات گوناگونی در حوزه‌های مختلف رخ می‌دهد که در تحلیل پیش‌رو، تغییرات در بافت بومی با بیشترین ارجاع، مهم‌ترین عاملی بود که ساکنان بدان اشاره کردند. تغییر در بافت بومی در دو بخش اثرگذاری بر فعالیت‌های اقتصادی روستایی مانند کشاورزی و دامداری و ورود افراد جدید (غریبه‌ها) توسط پاسخ‌دهندگان عنوان شده است. شایان ذکر است در بیشتر موارد، ورود افراد جدید و ناشناس برای ساکنان محلی با نوعی بی‌اعتمادی و عدم قطعیت در مورد آنچه در فضای زیستشان در حال رخ دادن است همراه بود. در واقع افراد اعلام می‌کردند که با تغییر در بافت بومی و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و دامداری و تأسیس فروشگاه‌ها و خیابان‌های جدید از سویی و ورود افراد جدید و ناشناخته که تعداد زیادی از آن‌ها را افغانستانی‌ها تشکیل می‌دادند از سوی دیگر، موجی از بی‌اعتمادی نسبت به شرایط جدید ایجاد شده است؛ برای مثال یکی از کشاورزان که به‌عنوان شغل دوم مغازه‌ای را اداره می‌کرد عنوان کرد: «خب قیمت زمین زیاد شده و خیلی‌ها دوست دارن زمین‌هاشون رو بسازن یا کشاورزهایی که دوست دارن زمین‌هاشون مسکونی بشه. می‌گن اینجا دیگه جای کشاورزی نیست. از طرفی آدم‌های جدید اومدن. افغانی‌های جدید که نمی‌شناسیم؛ یا آدم‌هایی از ورامین و قرچک که اونجا برانشون گرون بوده، اومدن و اینجا خونه گرفته‌ن یا اجاره کردن. توی کوچه ما تعداد زیادی آدم جدید اضافه شدن که ما اصلاً نمی‌شناسیم. از طرفی می‌گم شاید بهتر بشه همه چی، ولی از طرفی محیط جدید گاهی منو می‌ترسونه. آدم‌ها و مکان‌های جدیدی که اصلاً نمی‌شناسم. اومدن این همه آدم ناآشنا من رو نگران می‌کنه کمی. دیگه روستای دنج خودمون رو نداریم.»

معلم ساکن در قلعه نو گفت: «قبلاً بچه‌های من به راحتی توی کوچه با بچه‌های همسایه بازی می‌کردند، ولی من الان اصلاً نمی‌تونم اجازه بدم تنها برن توی کوچه بازی کنند. کسایی اومدن و همسایه ما شدن که من اصلاً نمی‌شناسمشون.» در پاسخ جوانان شاغل در روستا به این سؤال که چه اتفاقاتی بعد از تبدیل روستای شما به شهر افتاده، به وضوح نوعی بیگانگی و غریبگی با فضای جدید به چشم می‌خورد: «دیگه هیچی مثل قبل نیست. قبلاً همه همدیگه رو توی روستای ما می‌شناختن. ولی الان خیر. آدم‌ها ناآشنا هستن. فضاهای جدید داره درست می‌شه که من اصلاً دیگه خیلی از فضاهای جدید رو نمی‌شناسم. خیلی از دوستانم رفتن. کارگرا اومدن و همشون مجرد و تنها هستن و این منو بیشتر نگران می‌کنه. این همه غریبگی با فضا باعث شده فکر کنم می‌تونم برم از اینجا شاید. ولی قبلاً خیلی به رفتن فکر نمی‌کردم.»

در همین بخش، مواردی که نشان‌دهنده تغییرات محسوس بعد از تبدیل روستا به شهر باشد، درصد پائینی را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده عدم ارائه رضایت‌بخش خدمات شهری و رشد و رونق مورد انتظار است؛ مواردی مانند بازشدن نمایندگی، ادارات و دفاتر خدمات شهری، بهبود خدمات شهری و رشد و رونق اقتصادی. در پاسخ پرسش «آیا خدمات شهری بهتر شده» پاسخگو که دارای بنگاه املاک است می‌گوید: «خیر هیچ اتفاقی نیفتاده و ما فقط مالیات بیشتری می‌دیم به‌عنوان یک شهروند. ما حتی آب شرب هم نداریم و باید یا تصفیه‌کن بذاریم یا با تانکر بخریم. گاز و برق هست، ولی نوسان زیادی داره. آموزش و پرورش و ادارات نداریم چندان.» پاسخ یک سالمند ساکن در قلعه نو نیز به این سؤال چنین بود: «نه اصلاً، همه چی مثل قبله. تازه یه جاهایی بدتر هم شده. شهرشدن اگه ده تا کار می‌کنه صد تا چیز رو از ما می‌گیره.»

جدول ۳. تغییرات پس از شهرشدن

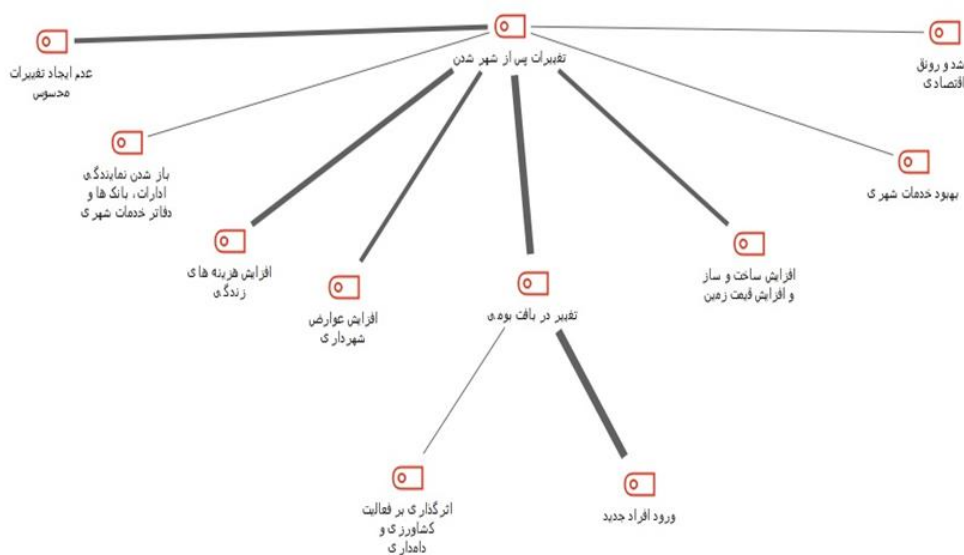
میزان ارجاع	کد
۳۵	تغییر در بافت بومی:
۱۳	اثرگذاری بر فعالیت کشاورزی و دامداری
۲۲	ورود افراد جدید
۲۷	افزایش هزینه‌های زندگی
۲۲	افزایش ساخت‌وساز و افزایش قیمت زمین
۲۲	عدم ایجاد تغییرات محسوس
۱۹	افزایش عوارض شهرداری
۸	بازشدن نمایندگی ادارات، بانک‌ها و دفاتر خدمات شهری
۳	بهبود خدمات شهری
۳	رشد و رونق اقتصادی

پس از شهرشدن قلعه نو و با افزایش قیمت زمین از سویی و محدودیت مشاغل سنتی در شهر از سوی دیگر، بسیاری از دامداران و کشاورزان، زمین‌های مزروعی خود را به گلخانه‌ها یا زمین‌های مسکونی تبدیل کرده‌اند. همچنین افراد جدید زیادی در قالب خریدار زمین یا مستأجر که اغلب دارای تابعیت افغانستانی هستند وارد شهر قلعه نو شده‌اند. این در حالی است که قلعه نو پیش از این با بافت سنتی و بومی اداره می‌شد و بیشتر ساکنان، بستگان و نزدیکان یکدیگر بودند (اتفاقی که هنوز در روستای طالب‌آباد در همسایگی شهر قلعه نو رخ نداده است). ساکنان قلعه نو از ورود افراد جدید ابراز نگرانی می‌کنند؛ چرا که معتقدند دیگر اعتمادی به فضایی که در آن زندگی می‌کنند ندارند و حتی گاهی همسایه خود را نیز درست نمی‌شناسند.

از سوی دیگر با شهرشدن افزایش هزینه‌های زندگی از جمله قیمت زمین مسکونی و اضافه‌شدن عوارض شهرداری به مخارج خانواده‌ها، از پیامدهای پیش‌آمده است. نکته جالب آنجا است که بسیاری از ساکنان قلعه نو بر این باورند که به‌اندازه ساکنان شهر تهران عوارض پرداخت می‌کنند، اما از کمترین خدمات شهری برخوردار نیستند.

عدم ایجاد تغییرات محسوس پس از شهرشدن هم از پاسخ‌های پرتکراری بود که به محقق داده شد. این بدان معنی است که هرچند بسیاری از روستاها با هدف بهبود خدمات به شهر تبدیل می‌شوند، درمورد شهر قلعه نو این هدف نیز جامعه عمل نپوشیده بود. ساکنان قلعه نو از نداشتن خدمات شهری مانند آب شرب مناسب، برق و گاز حتی پس از تبدیل قلعه نو به شهر گلایه‌مند هستند.

صاحب‌نظران این عرصه نیز بر این باورند که میزان تأثیرگذاری تبدیل روستا به شهر در بهبود شرایط گاهی بسیار ناچیز بوده است. یکی از استادان دانشگاه بیان کرد: «حالا مشکل اینجاست که خیلی از روستاهایی که جمعیت کافی نداشته و تبدیل به شهر شده‌اند، اتفاق خاصی هم در آن‌ها نیفتاده و فقط اسمش عوض شده است. تبدیل روستا به شهر فقط اعمال قدرت دولتی را در روستا افزایش می‌دهد و کار را از دست دهیار و اهالی روستا خارج می‌کند و مشارکت را کاهش می‌دهد.» او همچنین در خصوص اهمیت جایگاه دهیاری‌ها توضیح داد: «البته بحث تبدیل روستا به شهر زمانی که روستاها از نظر مدیریتی بالاتر تکلیف بودند شاید توجیه داشت؛ چون در شهرها شهرداری بود و در روستا شورا و دهیاری نبود، ولی در حال حاضر خلأ مدیریتی در روستا نیست و خدماتی که شهرداری می‌تواند ارائه دهد دهیاری هم می‌تواند ارائه دهد و اتفاقاً قلمرو وظایف دهیاری‌های بیشتر است؛ چون نهادهای دیگر نیستند.»

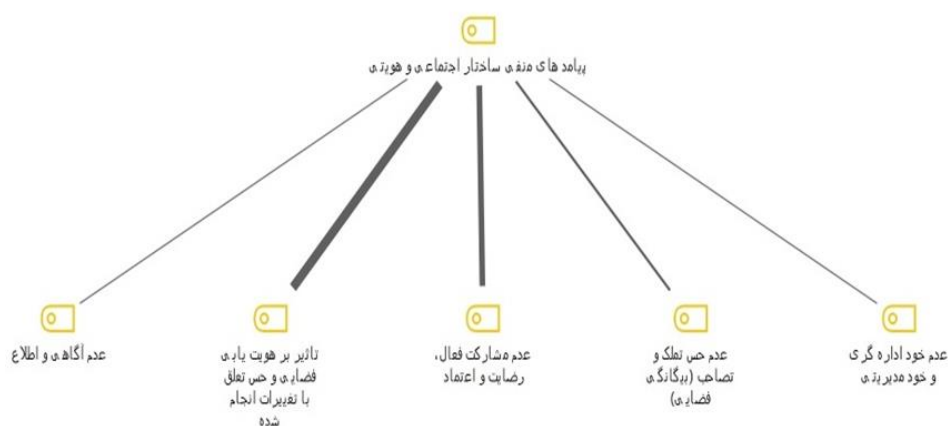


نمودار ۲. تغییرات پس از شهرشدن

پیامدهای منفی ایجادشده در ساختار اجتماعی و هویتی ساکنان، این مسئله کلیدی را نشان می‌دهد که ساکنان فضاهای روستایی به‌دلیل ناآگاهی از داشتن حقوق فردی نسبت به محیط‌زیستشان و همچنین در نظر گرفته‌نشدن به‌عنوان قطب مشارکت‌کننده در تصمیمات اتخاذشده، پیامدهای منفی را در ساختار هویتی و اجتماعی خویش تجربه خواهند کرد. همان‌طور که پیش‌تر نیز توضیح داده شد، چنانچه فضا را به‌عنوان ماهیتی فراتر از هویت فیزیکی آن در نظر داشته باشیم، متوجه اثرات ارتباط افراد با محیط زندگی‌شان خواهیم بود. مطالعات اخیر حوزه جغرافیای انسانی و اجتماعی نشان می‌دهد تا چه اندازه فضا بر شکل‌گیری هویت افراد اثرگذار بوده است. مفهوم هویت فضایی (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۷) بر همین اصل صحنه می‌گذارد.

برآیند مطالعات انجام‌شده به روش زمینه‌ای درباره موضوع مورد بررسی نشان می‌دهد در حیطه پیامدهای منفی ساختار اجتماعی و هویتی ناشی از تغییر روستا به شهر، تأثیر بر هویت‌یابی فضایی و حس تعلق افراد به فضای زیست، بیش از دیگر عوامل از این مسئله تأثیرپذیری داشته است.

کالبدی، ورود افراد و سازمان‌های جدید. از آنجا که فضا در هویت‌یابی افراد اثرگذار است، این تغییرات در روند تعریف هویتی ساکنان روستایی که مکان زندگی‌شان به شهر تبدیل شده رخ خواهد داد. بعد از آن نیز کناره‌گیری ساکنان و نبود مشارکت فعال در روند تصمیم‌گیری براساس ارجاع پاسخگویان در رتبه دوم قرار گرفته است. بسیاری از ساکنان بر این باور بوده‌اند که به دلیل اهمیت‌نداشتن نظر و خواسته آن‌ها و اتخاذ تصمیمات در مراجع بالادستی، دلیلی برای مشارکت نیز وجود ندارد.



نمودار ۳. پیامدهای منفی ساختار اجتماعی و هویتی

۵-۱. اثرات تبدیل روستا به شهر در قلعه نو

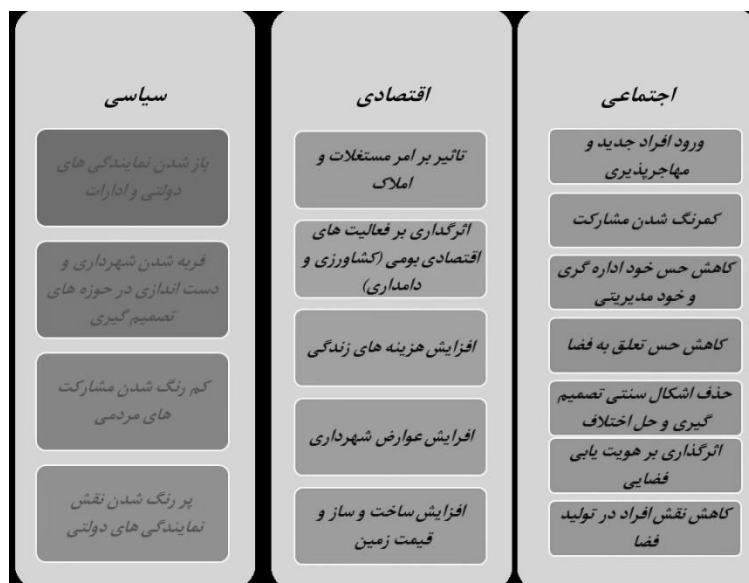
دهیاری قلعه نو از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۸ فقط با سه کارمند اداره شده است و این در حالی است که در سال ۱۴۰۰ شهرداری قلعه نو ۴۷ کارمند دارد. شورای دهیاری قلعه نو که در حال حاضر به شورای شهر تبدیل شده، با داشتن تجربه در هر دو زمان (دهیاری و شهرداری) بر این باور است که دهیاری چابک بهتر از شهرداری فربه است. تجربه این افراد نشان داده که در زمان دهیاری‌ها، به دلیل آشنایی ساکنان با افراد منتخب خود و اینکه تمام اعضای دهیاری از بافت ده و از میان افراد آشنا انتخاب می‌شدند، میزان اعتماد به دهیاری بسیار بیشتر بود و دهیاری با چابکی بیشتری وظایف خود را انجام می‌داد. در زمان دهیاری، قلعه نو شاهد اجرایی شدن پروژه‌های بیشتری بود: احداث ساختمان شهرداری، آمفی‌تئاتر، شرکت گاز، دفتر امام‌جمعه، اورژانس، دادگاه، احداث دو مجموعه مسکونی امام حسن با ۲۵۰ واحد و مجموعه مسکونی بسیج با ۵۰۰ واحد مسکونی. همچنین در دوران دهیاری، صدور پروانه ساخت نیز در کمترین زمان ممکن صادر می‌شد، ولی شهردار ساکن شهر تهران بوده و نه از طرف شورای شهر، بلکه از سوی فرمانداری پیشنهاد و انتخاب شده است. به همین دلیل، از زمان شهرداری‌ها به دلیل انتخاب شدن شهردار از خارج از بافت شهری و ناآشنا بودن کادر شهرداری، میزان اعتماد افراد نیز به کادر شهرداری کاهش یافته است. علاوه بر این، دسترسی به شهردار بسیار دشوار است. این در حالی است که دهیار فردی مورد اعتماد از بافت سنتی روستا بوده که ارتباط با او همواره برای همه ساکنان روستا امکان‌پذیر بوده است. نکته قابل توجه این است که در زمان دهیاری، میزان وقف کردن زمین و اراضی برای ارائه خدمات عمومی به مردم بسیار بیشتر بود، ولی متأسفانه از زمان تشکیل شهرداری، میزان وقف و همکاری عمومی با ارگان‌های شهری به شدت کاهش یافته است. از مهم‌ترین دلایلی که دهیاری قلعه نو احساس نیاز به تبدیل به شهرداری را داشت، محدودیت اراضی و داشتن بودجه ۱۳ میلیاردی از سوی و درخواست عمومی مردم برای امکانات بیشتر بود، ولی به بیان دهیار قلعه نو، به دلیل محدودیت دهیاری برای

اجرایی کردن طرح‌های احداثی بیشتر، تلاش برای تبدیل قلعه نو به شهر برای داشتن زمین بیشتر و ارائه بیشتر خدمات شهری به مردم در دستور کار قرار گرفت. برای توسعه کالبدی بیشتر، تنها راه پیش‌رو تبدیل شدن روستا به شهر بود که متأسفانه امروز در عمل شهرداری تاکنون هیچ‌گونه خدمات خاصی ارائه نکرده است، بلکه به‌دلیل ساختار فربه و اصولاً ناآشنای آن، افراد ارتباط اصولی نیز با آن برقرار نکرده‌اند و از سوی دیگر میزان بودجه نیز به‌دلیل عملکرد غلط شهرداری به‌شدت کاهش یافته است.

بیشترین پاسخ‌ها به تغییرات ایجادشده پس از شهرشدن به تغییر در بافت بومی روستا و اثرگذاری بر فعالیت‌های اقتصادی سنتی مانند کشاورزی و دامداری و ورود افراد جدید به فضای زیست اشاره داشته است. شایان ذکر است که در مصاحبه‌ها، ورود افراد جدید به‌خصوص کارگرانی با ملیت‌های دیگر از عواملی بود که ابراز نگرانی و افزایش بی‌اعتمادی به فضای زیست را با خود به همراه داشت. همچنین آغاز به ساخت‌وساز و تغییرات کالبدی نیز از دیگر پیامدهای شهرشدن است که نظر بسیاری از ساکنان قلعه نو را به خود جلب کرده است. تجربه زیسته افراد در پاسخ‌های آن‌ها نشان داد که افزایش عوارض و هزینه‌های زندگی به‌ویژه هزینه تهیه مسکن به‌دلیل افزایش قیمت زمین و اجاره، بدون دریافت خدمات شهری برای ساکنان روستای به شهر تبدیل‌شده ناراحت‌کننده بوده است. اما پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که آیا با تبدیل روستا به شهر بهبود خدمات و رونق بیشتر اتفاق افتاده، اغلب پاسخ منفی دادند. در نتیجه از نظر اهالی و ساکنان شهر جدید قلعه نو، بعد از تبدیل روستای محل سکونتشان به شهر، بهبود چشمگیری در ارائه خدمات شهری صورت نپذیرفته است. شهرشدن با تغییر در کارکردها و ورود معادلات جدید در فضای زیست سنتی ساکنان روستایی، هویت‌یابی فضایی این افراد را با مشکل روبه‌رو می‌کند. همچنین عدم مشارکت فعال و آگاهی افراد از این تغییرات، خود به نبود حس خودآدااره‌گری و خودمدیریتی منجر می‌شود که به‌تبع آن، بر حس تعلق و تصاحب روستاییان اثرگذار خواهد بود. حس عدم تعلق و تصاحب نیز به‌نوعی ناراضی‌تی و بی‌اعتمادی را نشر خواهد داد که بر علاقه و حساسیت افراد به تعیین سرنوشتشان تأثیر زیادی خواهد گذاشت.

به‌صورت کلی تغییرات صورت‌گرفته در روستاها پس از تبدیل‌شدن به شهر را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی به‌صورت شکل ۱

بیان کرد.



شکل ۱. دسته‌بندی از تأثیرات روستاها پس از شهرشدن

۶. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، یافته‌های پژوهش پیش‌رو نشان می‌دهد مهم‌ترین دلیل خواست تبدیل روستا به شهر، برخورداری از خدمات شهری و امکانات بیشتر و بهتر است. امکاناتی مانند خدمات و نظافت شهری و شهرداری، خدمات سلامت مانند بیمارستان و درمانگاه و داروخانه، خدمات مالی نظیر بانک و ادارات، خدمات تفریحی مانند باشگاه ورزشی، زمین‌های ورزشی، مکان‌های تفریحی و... از سوی دیگر توسعه کالبدی و ایجاد فضا برای توسعه هم مهم است. درواقع روستاها به دلیل داشتن طرح‌های هادی که محدوده توسعه را برای ده سال آتی مشخص می‌سازد، حیطة ساخت‌وساز و سازندگی مشخصی دارند، ولی چنانچه روستایی به دلیل درخواست‌های مردمی و رشد جمعیت، درخواست توسعه کالبدی و تدارک امکاناتی را داشته باشد که طرح هادی امکان آن را پیش‌بینی نکرده باشد، در عمل امکان تحقق آن فراهم نیست. محدودیت‌های کالبدی یکی از مهم‌ترین دلایلی بوده که سبب شده روند تبدیل روستای قلعه نو به شهر با سرعت بیشتری انجام گیرد. برخورداری از بودجه شهری و تأمین مالی بیشتر نیز از موارد مورد اشاره است. به نظر برخی مطلعان، همین برخورداری از بودجه بیشتر از عوامل تأثیرگذار برای این تصمیم مهم خواهد بود.

داده‌های پژوهش در دو بخش مصاحبه با مطلعان و ساکنان روستای تازه به شهر تبدیل‌شده قلعه نو نیز نشان از این دارد که میزان توجه به مشارکت و خواست مردمی در تصمیماتی از این دست (تبدیل روستا به شهر) بسیار اندک بوده است. مصاحبه با مطلعان و افراد مؤثر در حیطة قانون‌گذاری در این حوزه نشان می‌دهد حق رسمی و قانونی برای ساکنان روستایی در نظر گرفته نشده است. نگاهی به اسناد نیز نشان از این دارد که هرچند در مواد منشورها و اسناد، از مشارکت به‌عنوان اصلی ضروری یاد شده است، بستر اجرای این اصول چندان مهیا نیست.

تحقیق پیش‌رو با محوریت پیامدهای منفی ساختار اجتماعی و هویتی، در فرایند تبدیل روستا به شهر به تأثیرات منفی و مخربی پرداخت که در ابعاد هویتی و اجتماعی بر ساکنان روستاها تحمیل می‌شود. تأثیر بر هویت‌یابی فضایی و حس تعلق افراد، نشان از این امر دارد که در تبدیل روستا به شهر، هویت‌یابی فضایی افراد نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. هویت‌یابی فضایی به ارتباط میان تعریفی که فرد از خود ارائه می‌دهد و ارتباط این امر با فضای زیستش اشاره دارد.

قلعه نو با سال‌ها سابقه کشاورزی و دامداری به‌عنوان فعالیت غالب در حال تبدیل به شهری است که از نظر سیمای ظاهری در حال تغییرات سریع است؛ تغییراتی که فضا را برای ساکنان چندین و چندساله آنجا ناآشنا می‌سازد و از سویی موجب جایگزینی فعالیت‌هایی مانند مغازه‌داری و بنگاه‌داری به‌جای فعالیت‌های قدیمی می‌شود. این جایگزینی، کارکردهای جدیدی را برای این فضا تعریف می‌کند که با فضای زیست سنتی افراد ارتباط چندانی ندارد و این مسئله سبب ایجاد فضایی بی‌هویت با حس تعلق پایین ساکنان در آن می‌شود.

در تشریح چارچوب مفهومی به‌دست‌آمده باید عنوان کرد که کشورمان ایران دارای سابقه و پیشینه روستایی قابل‌توجه است و حیات روستایی عموماً دارای ساختاری سنتی است. ساکنان آن‌ها از شبکه روابط گسترده و عمیق بر مبنای اعتماد برخوردارند، نظام‌های تصمیم‌گیری سنتی همچنان کارکرد دارند و افراد در بسیاری از موارد، مشاغل خانوادگی خود را دنبال می‌کنند. به همین دلیل، روستاییان اصولاً دارای رابطه محکم و عمیقی با فضای زیست خود هستند (به‌خصوص ارتباط کشاورزان با زمین‌های مزروعی که ارث پدران است) و گاهی چندین نسل پیاپی در یک روستا به زندگی خود ادامه می‌دهند. روند تغییر و تحول در نظام سنتی روستاها سرعت چندانی نداشته و نظم موجود در ساختار اجتماعی و فرهنگی روستاها به دلیل قدمت و ثبات ارزش‌ها و هنجارها حکایت از معناداری تسلط افراد بر سرنوشت خود و خانواده خویش دارد، اما آن‌ها به یکباره و با تغییر موقعیت محل زندگی خود در تقسیمات کشور در

جریان فرایند تبدیل روستا به شهر یا حتی تغییر مکان زندگی و انتقال به شهرهای جدید احداث شده، شرایط جدیدی را بر زندگی خود حاکم می‌بینند. اتخاذ چنین تصمیماتی با سرعت زیاد همه چیز را تغییر می‌دهد؛ از ساختار اقتصادی و قیمت زمین‌ها گرفته تا تغییرات کالبدی و فضایی گسترده با ساخت‌وسازهای بعضاً ناهماهنگ و سریع و همچنین ورود افراد غریبه و ناآشنا (گاهی با ملیت‌های متفاوت). در کنار این موارد، حضور ارگان‌های دولتی مانند شهرداری‌ها به‌جای ساختارهای سنتی، تصمیم‌گیری تا حد بسیاری قدرت کنترل دولتی را وارد روستاهای بکر می‌کند و دیگر تصمیمات اتخاذ شده نه بر مبنای خواست و علائق ساکنان روستا که بنا به صلاحدید و منافع اقتصادی و سیاسی دولت‌ها و بدون مشارکت افراد اجرایی می‌شود. در نتیجه توان خوداداره‌گری روستاییان کاهش می‌یابد.

در این فضای کالبدی جدید، افراد به دلیل نداشتن مشارکت و قدرت در تعیین سرنوشت فضای زیست خود و گذران زندگی در شهری جدید که با شدت و سرعت بسیار در حال تغییر و تحول است (چه تحولات کالبدی و چه تحولات اجتماعی)، نوعی سردرگمی و فروپاشی هویتی را تجربه می‌کنند. قشرهای مختلف ساکن در روستا به‌خصوص سالمندان، با قرار گرفتن در روندی که گاهی حتی خود انتخاب نکرده‌اند، قادر به درک تغییرات و تحولات سریع ارزشی و هنجاری نخواهند بود و کم‌کم با محیط فیزیکی زندگی خویش نیز احساس بیگانگی خواهند کرد و همین بی‌ارتباطی با محیط معناداری و تلاش برای مؤثر بودن در فضا را تحت تأثیر جدی قرار خواهد داد. در نسل‌های جدیدتر نیز این بیگانگی فضایی با خود، منفعل شدن کنشگران و کاهش سریع و شدید مشارکت اجتماعی را به همراه خواهد آورد؛ وضعیتی که مسبب کاهش اعتماد اجتماعی و رضایتمندی خواهد شد.

در مجموع به نظر می‌رسد چنانچه قوانین و مقررات جاری در حوزه توسعه و مدیریت روستایی در جهت توانمندسازی روستاها قدمی بردارند، خواست مردم برای افزایش کیفیت زندگی در شکل و اندازه طبیعی تری جلوه می‌کند؛ برای مثال اگر امکان اجرا و استفاده از خدماتی مانند خدمات شهری یا هرگونه خدمات مورد نیاز مردم روستا مانند خدمات آموزشی، رفاهی و تفریحی محقق شود (برای نمونه سینما و مراکز تفریحی)، این گرایش تا حد زیادی مهار خواهد شد.

از سوی دیگر، بودجه‌های روستایی در تناسب منصفانه تری با شهرها قرار گیرد. صرف تبدیل روستا به شهر امکان استفاده بیشتر از بودجه کشوری را برای شهرها مهیا می‌سازد. این در حالی است که روستاها نیز به تناسب نیاز، جمعیت و درآمدهای داخلی خویش می‌توانند بهره بیشتری از بودجه کشوری داشته باشند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که بسیاری از لابی‌گری‌ها برای تبدیل روستا به شهر اتفاق می‌افتد، در همین بخش بودجه‌بندی خلاصه می‌شود. اصلاح نظام بودجه‌بندی با تمرکز بیشتر بر رعایت حقوق روستاییان، یکی دیگر از اقدامات مؤثر در این حوزه خواهد بود. به نظر محققان، تعدیل بودجه روستا و شهر در برابر یکدیگر امکان عوام‌فریبی و اقلان عمومی در جهت تحقق منافع گروه‌های ذی‌نفوذ را به شدت کاهش خواهد داد.

توجه به الگوهای مشارکت‌محور در اتخاذ تصمیمات مهمی مانند تبدیل روستا به شهر یا تغییرات فضایی و کالبدی کلید موفقیت هرچه بیشتر طرح‌های ملی است. همان‌طور که بارها اشاره شد، تأکید بر مشارکت فعال ساکنان روستایی و تقویت حس خوداداره‌گری و خودمدیریتی در این افراد نه تنها موجب رشد حس تعلق و تصاحب روستاییان نسبت به فضای زیستشان می‌شود، بلکه هویت‌یابی فضایی این افراد را هرچه قوی‌تر و باثبات‌تر شکل می‌دهد. داشتن هویت قوی و باثبات نیز یعنی حفظ حیات سالم روستایی؛ امری که امروزه به شدت مخدوش شده است.

نباید از یاد برد که استفاده بهینه از سازوکارهای تصمیم‌گیری سنتی حاکم در روستا مانند ریش‌سفیدی یا اعتماد بالای روستاییان به ساکنان بومی، ثروت و اندوخته باارزشی است که به دولت‌ها کمک شایانی برای پیشبرد هرچه بهتر طرح‌ها و پروژه‌ها خواهد کرد. بهره‌مندی از این دارایی به‌جای نابودی آن با اتخاذ تصمیمات از بالا، اصلی مهم در مدیریت باکفایت است.

شایان ذکر است مشارکت به معنای همکاری روستاییان در طرح‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم در سطوح مختلف است. مشارکت مطلوب اما زمانی انجام می‌شود که روستاییان بتوانند در سطوح ذهنی، عینی، تصمیم‌گیری و اجرا دخالت داشته باشند. در چنین جریانی، روستاییان بدون نیاز به اعمال کنترل و نظارت خاص به اجرای طرح کمک خواهند کرد و عملاً موفقیت طرح‌ها را تضمین می‌کنند (طالب و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷). علاوه بر این، برنامه‌ریزی مناسب، استفاده از توانایی‌های روستاییان و مشارکت آگاهانه و داوطلبانه آن‌ها می‌تواند بستر مناسبی برای موفقیت طرح‌های توسعه فراهم کند. بر این اساس، در اتخاذ تصمیمات مهمی مانند تغییرات کالبدی در فضای زیست افراد، روابط مثبت و سازنده‌ای بین برنامه‌ریزان و روستاییان ایجاد شود که می‌توان به لزوم تقویت اعتماد اشاره کرد.

۷. منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و نصیری، یوسف (۱۳۸۶). شهرنشینی شتابان، روندها و پیامدها. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۹-۱۰ (۲۳۸)، ۲۳۷-۲۳۸.
- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اطهار، کمال (۱۳۹۳). *رهایی از شهربندی: جستاری درباره‌ی حق به شهر هانری له فور*. *جامعه فرهنگ و رسانه*، ۳ (۱۱)، ۱۰۱-۱۱۰.
- ایزدی خرامه، حسن و نوذری، معراج (۱۳۹۲). ارتقای روستا به شهر و تأثیر آن در تحول تعامل‌های روستایی-شهری؛ مطالعه موردی: بخش بیضا شهرستان سپیدان. *پژوهش‌های روستایی*، ۴ (۱)، ۷۷-۱۰۰.
- تقوایی، علی‌اکبر، عزیزی داوود و یزدانیان، احمد (۱۳۹۴). بررسی نقش نظریه‌ی حق به شهر در تولید و بازتولید فضای شهری. *نشریه هفت شهر*، ۴ (۴۹-۵۰)، ۸۸-۹۹. http://www.haftshahrjournal.ir/article_20430.html?lang=fa
- رهبری، لادن و شارع‌پور، محمود (۱۳۹۳). جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه‌ی له فور در تهران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴ (۱)، ۱۱۶-۱۴۱. <https://dori.net/dor/20.1001.1.17351901.1393.15.1.5.2>
- زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۹۲). فرایند تبدیل نقاط روستایی به شهر در مقیاس ملی و پیدایش پدیده‌ی خام‌شهرها. *پژوهش‌های روستایی*، ۱۵، ۵۳۵-۵۵۸. <https://doi.org/10.22059/jrur.2013.36493>
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۵۵). *مونوگرافی ده طالب‌آباد*. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- ضرابی، اصغر و موسوی، میرنجف (۱۳۸۸). بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان یزد). *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲، ۱-۱۸. <https://dori.net/dor/20.1001.1.20085362.1388.20.2.1.0.18>
- طالب، مهدی، میرزایی، حسین و نادری، عفوات (۱۳۹۱). ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی. *نشریه توسعه روستایی*، ۴ (۱)، ۱-۱۸. <https://doi.org/10.22059/jrd.2012.28895>
- قره‌بگلو، مینو و سلوایه، سونیا (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر مسکن بومی در روستای نسمه (شهرستان پاوه). *نشریه مسکن، محیط و روستا*، ۳۱ (۱۶۷)، ۳۵-۵۰.
- مرکز آمار ایران: ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵. URL: <http://jhre.ir/article-1-1798-fa.html>
- یزدانی، محمودی، کاویانی، یونس و یاری، ارسطو (۱۳۹۷). هویت فضایی و شهر از دیدگاه دانش جغرافیا. *نشریه شهرنگار*، ۴۹، ۱۲-۱۹. <http://ensani.ir/fa/article/182365>
- Athari, K. (2015). *Emancipation from Urbanization: An Inquiry About the Right to the City by Henri Le Faure*. Scientific-Promotion Quarterly of Culture and Media Society, 3(11): 101-110 (In Persian).
- Azizi, M. M., Zebardast, E., & Bornafar, M. (2019). *Conceptualizing the process of converting rural settlements into cities in Guilān province (1956-2016)*. Urban Planning Knowledge, 3(1): 1-13 (In Persian). [10.22124/UPK.2019.11905.1151](https://doi.org/10.22124/UPK.2019.11905.1151)

- Barghi, H., Ghanbari, Y., & Saif Elahi, M. (2012). *Surveying the satisfaction of the residents of rural areas in the transformation of rural areas into cities*. *Geography Quarterly*, 9(31): 215-233 (In Persian). <https://www.magiran.com/paper/951524>
- Ebrahimzadeh, I., & Nasiri, Y. (2008). *Rapid urbanization, trends and consequences*. *Political-Economic Information*, 9-10(238): 237-238 (In Persian). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/321075/>
- Firouz Nia, Q., Musa Kazemi, S. M., & Sadeghi Taheri, A. (2018) Studying the effect of village integration in a sample city: integrated villages in Kashan city, *Geography and Development Magazine*, 9(25): 96-79 (In Persian).
- GharehBaglou, M., & Silvayeh, S. (2019). *Factors Affecting Vernacular Architecture in Nosomeh Village (Paveh County)*. *Journal of Housing and Rural Environment*, 38(167): 35-50 (In Persian). URL: <http://jhre.ir/article-1-1798-fa.html>
- Izady, H., & Nozari, M. (2013). *Promoting Villages to Towns and its Role in Changing Rural – Urban Interactions (Case Study: Beyza' Town, Fars Province)*. *Journal of Rural Research*, 4(1): 77-100 (In Persian). Doi: [10.22059/JRUR.2013.31972](https://doi.org/10.22059/JRUR.2013.31972)
- Karimi, B., Salmani, M., Badri, S.A., & Rezvani, M. (2014). *Impacts Assessment of Transformation of Rural Settlements to Urban ones in Development of Mountainous Regions, Using Grounded Theory Method (Case Study: Dailaman District, Siahkal Township)*. *Housing and Rural Environment*, 33(145): 95-110 (In Persian). URL: <http://jhre.ir/article-1-519-fa.html>
- Lefebvre, H. (1974). *The Production of Space*. Translated by Donald Nicholson-Smith, from the original. *Production de l'espace*.
- Nowrozi, M., & Zarin Jooi, S. (2013). *the transformation of the village into a city and its role in satisfaction with the quality of the case study environment: Hosseiniye city in Khuzestan province*. the fourth national scientific conference of geography students, Tehran (In Persian). <https://civilica.com/doc/152385/>
- Rahbari, L., & Sharepour, M. (2013). *Ciender and Right to the City: A Test of Lefebvre's Theory*. *Iranian Journal of Sociology*, 15(1): 116-141 (In Persian). [20.1001.1.17351901.1393.15.1.5.2](https://doi.org/10.1001.1.17351901.1393.15.1.5.2)
- Rahmani Fazli, A. R., & Parishan, M. (2010). *Structural-functional transformations after the transformation of rural areas into cities (Case: Kanisur city - Baneh city)*. *Applied Research of Geographical Sciences*, 9(7): 101-128 (In Persian). URL: <http://jgs.khu.ac.ir/article-۵۶۱-۱-fa.html>
- Rezvani, M., Mansourian, H., & Ahmadi, F. (2011). *Promoting Villages to City and its Role on Improvement of Quality of Life of Local Resident (Case Study: Firozabad and Sahen Cities in Lorestan and Kordestan Provinces)*. *Journal of Rural Research*, 1(1): 33-65 (In Persian). https://jrur.ut.ac.ir/article_21825.html?lang=fa
- Safinejad, J. (1977). *Talebabad village monograph*. Tehran: Faculty of Social Sciences and Cooperation, University of Tehran (In Persian).
- Saraei, M. H., & Eskandary Sani, M. (2007). *Changing the Large Village to a Small City and Their Role on the Regional Balance: Rivash - Kashmar*. *Geography and Development*, 5(10): 165-182 (In Persian). [10.22111/GDIJ.2007.3665](https://doi.org/10.22111/GDIJ.2007.3665)
- Strauss, A., Corbin, J. (2007). *principles of qualitative research method; Basic theory, procedures and methods*. Translated by Mohammadi, B. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies, (In Persian).
- Taghvaei, A. A., Azizi, D., & Yazdani, A. (2015). *Investiate the role of "the right to the city" theory in the productin and reproductin of urban space*. *Haftshahr Urban Development and Architecture Journal*, 4(49,50). 88-99 (In Persian). http://www.haftshahrjournal.ir/article_20430.html?lang=fa

- Taleb, M., Mirzaei, H., & Naderi, A. (2013). *Evaluating the role of participation in rural areas development plans (case study: rural areas consolidation plans)*. Local Development (Rural-Urban), 4(1): 1-18 (In Persian). [10.22059/JRD.2012.28895](https://doi.org/10.22059/JRD.2012.28895)
- Yazdani, M., Kaviani, Y., & Yari, A. (2018). *Spatial identity and the city from the point of view of geography*. Shahrnagar Magazine, 49: 12-19 (In Persian). <http://ensani.ir/fa/article/182365>
- Zangene Shahraki, S. (2013). *Explanation on Conversion of Rural Areas into Town as a Challenge in National Scale and Formation of Khamshahr*. Journal of Rural Research, 4(3): 535-557 (In Persian). [10.22059/JRUR.2013.36493](https://doi.org/10.22059/JRUR.2013.36493)
- Zarabi, A., & Mousavi, M. N. (2009). *A Survey on Function of Small Cities in the Urban System and Regional Development (Case Study: Yazd Province)*. Geography and Environmental Planning, 20(2): 1-18 (In Persian). [20.1001.1.20085362.1388.20.2.1.0](https://doi.org/10.1001.1.20085362.1388.20.2.1.0)